

متن پرسش

سلام استاد گرامی-استادمنی دانم چگونه سوالم را بپرسم..من در گذشته از زمانی که در نوجوانی در اردوی راهیان نور شرکت کردم به طور کلی مسیر زندگیم عوض شد و به لطف خدا در مسیر حق وارد شدم گرچه فراز و فرود زیاد داشته ام ولی حداقل ظواهر دین را به خوبی رعایت کرده ام در این مسیر به مرور با استادانی چون حاج آقا پناهیان و دولابی و استادصفایی و شهید مطهری و.. آشنا شده و از آثارشان بهره برده ام...در برهه ای از زندگی هم حقیقتاً خدا لطف کرده و به طرز عمیقی طعم شیرین بندگی خویش و خدا داشتن را که انسان را از هر لذتی مستغنی می کند چشیده ام گرچه ادامه نیافت به دلیل ضعیف بودن نفس خودم یا نداشتن پایه فکری لازم...حالا بعد از حدود شش سال که در این مسیرم به این نتیجه رسیده ام که خیلی از احساسات انقلابی ام که میخواستیم و فکرمیکردیم می توانیم دنیا را تغییر بدهیم فقط-احساسات- بوده است و آدمی در این جهان خیلی نمی تواند کاری بکند و حتی خیلی در سرنوشت خودش هم موثر نیست و فقط وظیفه اش درست امتحان دادن است...دچار نوعی یاس و سستی در عمل شده ام و دیگر دلیلی برای مبارزه با نفس نمی یابم..مگر چقدر تاثیر خواهد داشت..مگر من به کجا خواهم رسید..اصلاً خدا که می تواند به هر شکلی که صلاح است مسیر زندگی مرا تعیین کند پس من چکاره ام...احساس می کنم در جهان معلوم... به هیچ احساس یا تفکری وصل نیستم--از تفکر که فکر میکردم تنها راه درست مسیر من است پشیمانم...فکر میکنم هر مسیری که فرد را به توحید برساند کافی است...داعیه ی شیعه و انقلاب که مطلق گرا هستند درست نیست...اصلاً چرا ما باید خوب شویم و... ببخشید که طولانی شد و تشکر از لطف بی حدتان.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین طور که می فرمایید هر مسیری که فرد را به توحید برساند کافی است و این تنها هدف زندگی ما بر روی زمین است و حقیقتاً توحید و انس با حق عالی ترین نوع زندگی است و در قیامت بهره های فراوانی دارد. سعی کنید حجاب های بین خود را برطرف کنید و قدم قدم جلو بروید. بنده به این نتیجه رسیده ام با شیعه بودن و نظر به اهل البیت «علیهم السلام» که مظاهر کامل اسماء الهی هستند این کار ممکن است و در راستای نظر به سیره ی امامان معصوم است که انقلاب اسلامی را ارزش می نهم و معتقدم در این روش مسیر انس با خدا ممکن است. موفق باشید